مسئله ۲۶: آیا اورعیت باعث ترجیح یک مجتهد بر مجتهد دیگر می‌شود؟

*۱. مرحوم شیخ انصاری به این مطلب قائل است و می‌نویسد:

«و لو تساوی المجتهدان بالعلم و اختلفا فی الورع. فالظاهر ان المشهور تقدیم الأورع بل حکی علیه المحقق الثانی قده الإجماع »[1]

*۲. مرحوم سید یزدی در عروة در جایی که دو مجتهد مساوی باشد در مسئله ۱۳ می‌نویسد:

«إذا کان هناک مجتهدان متساویان فی الفضیلة یتخیّر بینهما، إلاّ إذا کان أحدهما أورع، فیختار الأورع»[2]

و ایشان در مسئله ۳۳ می‌نویسد:

«إذا کان هناک مجتهدان متساویان فی العلم کان للمقلد تقلید أیهما شاء، ویجوز التبعیض فی المسائل، وإذا کان أحدهما أرجح من الآخر فی العدالة أو الورع او نحو ذلک فالأولی بل الأحوط اختیاره.»[3]

*۳. حضرت امام، مرحوم فیروزآبادی و مرحوم گلپایگانی، رجوع به اورع را در چنین فرضی «احوط اولی» می‌دانند و مرحوم خوانساری، مرحوم شیرازی، مرحوم نائینی و مرحوم جواهری، این مطلب را «احوط» دانسته‌اند.[4] مرحوم جواهری و مرحوم آل یاسین هم به صراحت، احتیاط مستحب را مطرح کرده‌اند[5] و مرحوم بروجردی، حکیم و شیرازی در ذیل مسئله ۳۳ ظاهراً به «احتیاط وجوبی» قائل شده‌اند.[6]

*۴. مرحوم حکیم این مطلب را قول بزرگانی برمی‌شمارد و می‌نویسد:

«کما عن النهایة، و التهذیب، و الذکری، و الدروس، و الجعفریة و المقاصد العلیة، و المسالک، و غیرها، و یقتضیه أصالة التعیین الجاریة عند الدوران بینه و بین التخییر. و لا یظهر علی خلافها دلیل، إذ الإطلاقات الدالة علی الحجیة – لو تمت – لا تشمل صورة الاختلاف. اللهم الا أن یکون بناء العقلاء علی التخییر بین المتساویین فی الفضل و ان کان أحدهما أورع، فیتبع اتباعه فی حجیة

---

[1] . مجموعه رسائل فقهیه و اصولیه، ص۸۳

[2] . العروة الوثقی، ج۱، ص۱۲

[3] . العروة الوثقی، ج۱، ص۱۷

[4] . العروة الوثقی (عدة من الفقها)، ج۱، ص۲۰

[5] . همان

[6] . همان، ص۳۰

رأی العالم. لکن هذا البناء غیر ظاهر مع الاختلاف، کما عرفت آنفاً. و لو کان أحد المجتهدین أفضل و الآخر أورع قدم الأفضل، لما عرفت من بناء العقلاء علی تعینه.»[1]

❋۵. مرحوم عراقی در حاشیه مفصل بر عروه می‌نویسد:

«فی وجوبه نظر؛ لأنّ مناط حکم العقل فی باب رجوع الجاهل إلی العالم لیس إلّا لأقربیّته إلی الواقع، و فی هذه الجهة لا یکون لجهة الورع و العدالة دخل البتّة، غایة الأمر حیث کان حکم العقل تعلیقیّاً، لا بدّ من الرفع عنه بمقدار ما ثبت من قبل الشرع اتّباعه، و لیس هو إلّا اعتبار طبیعة العدالة فی المفتی لیس إلّا، و من هذه الجهة نلتزم بأنّ الأعلم العادل مقدّم علی الأعدل العالم، و إلّا فلیس فی البین إطلاق یستکشف منه هذه الجهة کما لا یخفی.»[2]

توضیح:

۱- دلیل تقلید، حکم عقل به رجوع جاهل به عالم است و ملاک این حکم هم آن است که قول عالم اقرب الی الوقع است (از سایر طرق)

۲- و عدالت و ورع دخلی در این حکم عقل ندارد (یعنی عقل در کشف واقع، برای علم ارزش قائل است ولی برای عدالت و ورع مدخلیتی قائل نیست)

۳- البته حکم عقل تعلیقی است (یعنی شارع می‌تواند آن را مقید کند)

۴- و از ناحیه شرع هم تنها اصل عدالت ثابت شده است و بیش از آن (اعدل و یا اصل ورع) در ادله شرعی مورد اشاره نیست.

۵- و لذا اعلم عادل بر اعدل عالم ترجیح دارد.

۶- پس دلیل تقلید حکم عقل است و دلیل لفظی در میان نیست که اطلاقی داشته باشد.

❋۶. مرحوم خویی در این باره ابتدا «اورعیت» را به ۳ معنی تفسیر کرده و می‌نویسد:

«و لا شبهة فی أن الأورعیة لیست مرجحة فی هاتین الصورتین سواء أُرید منها الأورعیة فی مقام العمل

الف) بأن یکون أحدهما مجتنباً عن المشتبهات دون الآخر، أم أُرید بها الأورعیة فی الاستنباط

ب) إما بمعنی أن فحص أحدهما عن الدلیل فی استنباطاته أکثر من المقدار المعتبر فی الفحص عنه،

ج) و إما بمعنی عدم إفتاء أحدهما فی المسائل الخلافیة و احتیاطه فیها دون الآخر.

---

[1]. مستمسک، ج۱، ص۳۱

[2]. همان

و ذلک لأنه بعد حجیهٔ کلتا الفتویین و شمول الأدلهٔ لفتوی الأورع و غیر الأورع لاشتمالهما علی شرائط الحجیهٔ، لا یفرق بینهما بوجه و ذلک لأن الدلیل علی حجیهٔ الفتوی إذا کان قیام السیرهٔ علی رجوع الجاهل إلی العالم، فمن المعلوم أن العقلاء لا یقدّمون أحداً من أهل الخبرهٔ علی الآخر بمجرد کونه أورع لاشتمال کل منهما علی ما هو الملاک المعتبر فی رجوع الجاهل إلی العالم عندهم، و هذه السیرهٔ لم یردع عنها فی الشریعهٔ المقدسهٔ. و إن کان الدلیل هو الأدلهٔ اللفظیهٔ من الآیات و الروایات، فلا کلام فی أنها مطلقهٔ و لا موجب لتقییدها بالأورعیهٔ أبداً.»[1]

[1]. التنقیح، ج۱، ص۱۴۰